

بسم الله الرحمن الرحيم

مقایسه داورى با دادرسی قضائی بین المللی در رفع اختلافات بین دولتها

بوسیله

علی مسن پور

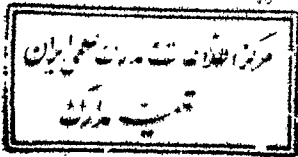
پایان نامه

ارائه شده به دانشکده تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیت‌های

تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

۱۳۷۸ / ۴ / ۱

A



در رشته

حقوق عمومی

از

دانشگاه شیراز

شیراز، ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه : عالی

امضاء اعضاء کمیته پایان نامه :

دکتر جلال جعفری استادیار حقوق عمومی (رئیس کمیته)

دکتر محمد امامی استادیار حقوق عمومی

دکتر سید محسن شیخ الاسلامی استادیار حقوق عمومی

3962 / ۲

خردادماه ۱۳۷۸

## تقدیم :



به پدر و مادر عزیزه که مشوق اصلی بنده در راه تحصیل بوده‌اند

و

به همسر مهربانم که با تحمل سختی‌های زندگی

در این دوران مرا یاری داده‌اند.

## سپاسگزارى

سپاس بى نهايت خداى منان را كه توفيق پيمودن راه علم و دانش بر حقير

ارزاني داشت.

از اساتيد بزرگوار دانشكده حقوق دانشگاه شيراز كه سعادت تلمذ در

محضر آنان داشته‌ام، بخصوص **جناب آقاى دكتور جلال جعفرى** كه بعنوان

استاد راهنما در تهيه و نگارش اين پايان نامه مرا يارى داده‌اند و

**جناب آقاى دكتور محمد امامى** و **جناب آقاى دكتور سيدمسئد شيخ الاسلامى** كه

بعنوان اساتيد مشاور قبول زحمت فرموده‌اند، كمال تشكر و قدردانى

مى نمايم.

## چکیده

مقایسه داوری با دادرسی قضائی بین‌المللی در رفع اختلافات بین دولتها

## بوسیله

علی حسن پور

استقرار و بقای نظم در جامعه بین‌المللی مستلزم احترام به منافع کل آن جامعه، یعنی رعایت مقررات حقوق بین‌المللی است و توسعه قلمرو قضائی دادگاههای بین‌المللی در استحکام پایه‌های اساسی این نظم تأثیر بسیار دارد، زیرا حل و فصل اختلافات بین‌المللی در این دادگاهها موجب می‌گردد تا تفسیر و اجرای مقررات بین‌المللی تابع اصولی منظم و منطقی گردد، از جمله مراجع حل و فصل اختلافات داوری و دادگستری بین‌المللی است که موضوع این رساله مقایسه این دو مرجع در حل و فصل اختلافات بین دولتها است. بر همین اساس ما پس از بررسی منشاء پیدایش و سابقه تاریخی داوری و دادگستری بین‌المللی، مبانی رسیدگی، صلاحیت، تشکیلات، آئین دادرسی، حقوق حاکم و خصوصیات آراء هر یک از این دو نهاد را مورد مقایسه قرار داده و در نهایت با یک نتیجه‌گیری که خود مبین مزایا و معایب داوری و دادگستری بین‌المللی است، وجوه اشتراک و افتراق آنها را بر می‌شماریم، زیرا این دو نهاد علی‌رغم شباهت‌های بسیار دارای اختلافاتی نیز می‌باشند که مهمترین آن مربوط به نقش و تأثیر اصحاب دعوی در روند حل و فصل و هدایت جریان رسیدگی است. زیرا در داوری بین‌المللی اراده طرفین اختلاف در تمامی مراحل اعم از نحوه رجوع، طرز تشکیل دادگاه، آئین دادرسی و تعیین حقوق حاکم بر ماهیت اختلاف، تأثیر بسزایی داشته، در حالیکه در دادگستری بین‌المللی اراده طرفین فاقد چنین نقشی می‌باشد.

این مقایسه کمک می‌کند تا قبل از رجوع به هر یک از این محاکم با اطلاع کامل از  
خصوصیات و ویژگی‌های آنها، روشی که به مراتب کارآمدتر از دیگری است برگزیده  
و بدین طریق به رفع اختلافاتی که ادامه آن ممکن است به صلح و امنیت بین‌المللی  
لطمه وارد سازد، اقدام نمود.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول - کلیات

۱	۱-۱ مقدمه
۳	۱-۲ اختلافات بین‌المللی
۵	۱-۲-۱ انواع اختلافات بین‌المللی
۶	۱-۲-۲ طرفین اختلافات بین‌المللی
۶	۱-۳ طرق تصفیه اختلافات بین‌المللی
۱۰	۱-۳-۱ طرق سیاسی حل اختلافات بین‌المللی
۱۳	۱-۳-۲ طرق حقوقی حل اختلافات بین‌المللی
۱۵	۱-۴ سابقه تاریخی و منشاء پیدایش داوری بین‌المللی
۲۳	۱-۵ سابقه تاریخی و منشاء پیدایش دادگستری بین‌المللی

### فصل دوم - مبانی رسیدگی دیوان داوری و دادگستری بین‌المللی

۲۹	۲-۱ رسیدگی به استناد شرط رجوع ضمن عهدنامه‌های بین‌المللی
۳۵	۲-۱-۱ مفهوم عهدنامه یا قرارداد مورد استناد
۳۶	۲-۱-۲ جاری بودن عهدنامه یا قرارداد مورد استناد
۳۶	۲-۱-۳ پیش‌بینی اختلاف در عهدنامه مورد استناد
۳۷	۲-۱-۴ پیش‌بینی تصفیه اختلاف بوسیله داوری یا دادگستری بین‌المللی

- ۳۹ ..... ۲-۱-۵ تأثیر ثبت و یا عدم ثبت عهدنامه مورد استناد
- ۴۱ ..... ۲-۲ رسیدگی به استناد قراردادهای دائمی حل و فصل اختلافات
- ۴۴ ..... ۲-۳ رسیدگی به استناد قراردادهای خاص
- ۴۷ ..... ۲-۳-۱ قرارداد الجزایر ۱۹۸۱
- ۵۰ ..... ۲-۳-۲ موافقتنامه ۱۹۴۸ انگلستان و آلبانی
- ۵۳ ..... ۲-۴ رسیدگی به استناد اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری

### فصل سوم - صلاحیت دیوان داوری و دادگستری بین‌المللی

- ۵۶ ..... ۳-۱ صلاحیت ترافیعی
- ۵۹ ..... ۳-۱-۱ نحوه تشخیص صلاحیت
- ۶۳ ..... ۳-۱-۲ اصحاب دعوی و صلاحیت ترافیعی
- ۶۴ ..... ۳-۱-۲-۱ افراد
- ۶۸ ..... ۳-۱-۲-۲ شرکت‌های تجاری و مؤسسه‌های خصوصی
- ۷۱ ..... ۳-۱-۲-۳ سازمانها و مؤسسه‌های عمومی
- ۷۳ ..... ۳-۱-۲-۴ دولتها
- ۷۶ ..... ۳-۱-۳ موضوع دعوی و صلاحیت ترافیعی
- ۷۹ ..... ۳-۲ صلاحیت مشورتی

### فصل چهارم - تشکیلات و آئین دادرسی دادگستری و دیوان داوری بین‌المللی

- ۸۴ ..... ۴-۱ تشکیلات
- ۸۶ ..... ۴-۱-۱ ساختار اساسی
- ۸۹ ..... ۴-۱-۱-۱ دفتر بین‌المللی دیوان داوری
- ۸۹ ..... ۴-۱-۱-۲ شورای دائمی اداری دیوان داوری

..... ۹۲	۴-۱-۲ هیأت قضات
..... ۹۲	۴-۱-۲-۱ هیأت قضات در دیوان بین‌المللی دادگستری
..... ۹۷	۴-۱-۲-۲ هیأت قضات در داوری بین‌المللی
..... ۱۰۲	۴-۲ آئین دادرسی
..... ۱۰۲	۴-۲-۱ آئین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری
..... ۱۰۶	۴-۲-۲ آئین دادرسی داوری بین‌المللی

### فصل پنجم - آراء و حقوق حاکم بر ماهیت دعوی

..... ۱۱۲	۵-۱ آراء مراجع حل و فصل
..... ۱۱۲	۵-۱-۱ آراء دادگستری بین‌المللی
..... ۱۱۳	۵-۱-۱-۱ تفسیر آراء دیوان
..... ۱۱۴	۵-۱-۱-۲ اعاده دادرسی نسبت به آراء دیوان
..... ۱۱۵	۵-۱-۱-۳ خصوصیات آراء دیوان بین‌المللی دادگستری
..... ۱۱۶	۵-۱-۱-۳-۱ الزام آور بودن آراء دیوان
..... ۱۱۶	۵-۱-۱-۳-۲ قطعی بودن آراء دیوان
..... ۱۱۷	۵-۱-۱-۳-۳ لازم‌الاجرا بودن آراء دیوان
..... ۱۱۸	۵-۱-۲ آراء داوری بین‌المللی
..... ۱۲۰	۵-۱-۲-۱ خصوصیات آراء داوری بین‌المللی
..... ۱۲۰	۵-۱-۲-۱-۱ الزام آور بودن حکم داوری
..... ۱۲۱	۵-۱-۲-۱-۲ قطعی بودن حکم داوری
..... ۱۲۴	۵-۱-۲-۱-۳ لازم‌الاجرا نبودن حکم داوری
..... ۱۲۶	۵-۲ حقوق حاکم بر ماهیت دعوی



..... ۱۲۶	۵-۲-۱ حقوق حاکم بر ماهیت دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری
..... ۱۳۱	۵-۲-۲ حقوق حاکم بر ماهیت دعوی در داوری بین‌المللی
..... ۱۳۵	نتیجه‌گیری
..... ۱۴۱	منابع
.....	چکیده و صفحه عنوان به انگلیسی

# فصل اول

## کلیات

### ۱-۱ مقدمه :

در جامعه بین‌المللی مانند جوامع داخلی در مواردی بعثت تضاد منافع و عدم توافق نسبت به امور و مسائل معینی اختلافاتی ایجاد می‌شود. در مورد اختلافات و مرافعات و طرق حل آنها بین حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل تفاوت بسیار است، زیرا در حقوق داخلی افراد مکلفند برای رفع اختلافات و مرافعات خود به مراجع قانونی و قضائی مراجعه کنند و با طرح و تعقیب دعاوی در محاکم صالحه داد خود را از متعدی قانون‌شکن و ستمگر متجاوز باز ستانند و بر طبق یک اصل کلی که امروز مورد قبول کلیه جوامع متمدن است هیچ کس نمی‌تواند راساً و بر اثر اقدامات شخصی و فردی و بدون مراجعه به مقامات قانونی در مقام احقاق حق خود برآید.

در حقوق داخلی افراد نه تنها مجبورند دعاوی خود را به مراجع قضائی ارجاع کنند، بلکه این الزام و اجبار قانونی نیز برای آنها موجود است که احکام صادره از محاکم صالحه را محترم بشمارند و با کمال حسن نیت اجرا کنند.

واضح است اگر فردی از اجرای احکام قانونی سر باز زند، دولت می‌تواند بوسیله اعمال قوه قهریه موجبات اجرای آن احکام را فراهم کند و شخص مستنکف را تنبیه و مجازات نماید.

اما در حقوق بین‌الملل مراجع قانونی که احکام و تصمیمات آن مطاع و کاملاً لازم‌الاجرا باشد وجود ندارد، بلکه دولتها بنا به اصل حاکمیت و صلاحیت ملی و استقلال، در تشخیص و تمیز حق از باطل و استیفای حقوق ادعایی خود و تعقیب و تنبیه مقصر و متجاوز، خود را قاضی و حاکم بلامنازعه دانسته و در حل اختلافات و ارجاع آنها به مراجع بین‌المللی الزاماً از هیچ مرجع و مقامی اطاعت نمی‌کنند، علاوه بر این در حقوق بین‌الملل از قرن‌ها پیش و حتی تا قرن معاصر برای دول این حق شناخته شده بود که خود راساً در صورتیکه با دولت دیگری اختلاف پیدا کنند، در مقام رفع اختلاف ولو با توسل به قوه قهریه و بر افروختن آتش جنگ بر آیند و روی همین اصل یکی از مباحث حقوق بین‌الملل حق جنگ بود و منع توسل به قوه قهریه و تحریم جنگ، آن هم جنگ تعرضی و جنایت شمردن آن مربوط به سالهای پس از جنگ جهانی اول می‌باشد. این جنگ موجب شد که تلاشهایی برای بازسازی امور بین‌المللی بر پایه یک نهاد بین‌المللی عمومی انجام گیرد.

میثاق جامعه ملل اعلام داشت که لازم است اعضاء اختلافاتی که احتمالاً موجب بروز خصومت خواهد شد به داوری یا حل و فصل قضائی یا شورای جامعه ملل ارجاع نمایند. در هیچ شرایطی نمی‌بایست اعضاء تا قبل از انقضای سه ماه بعد از حکم داوری و یا رأی قضائی و یا گزارش شورا به جنگ متوسل شوند.

بدین طریق برای اولین بار در یک سند بین‌المللی روشهای مسالمت‌آمیز حل اختلافات جایگزین توسل به زور و استفاده از قوای قهریه گردید، و این اصل مورد توجه منشور ملل متحد نیز قرار گرفته است زیرا در ماده ۲ آن مقرر گردیده کلیه اعضاء اختلافات بین‌المللی خود را به وسایل مسالمت‌آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد، تصفیه خواهند کرد و در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری و یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مبنایت داشته باشد، خودداری خواهند نمود.

همچنین در ماده ۳۳ منشور آمده است طرفین هر اختلاف که ادامه آن محتمل است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بخطر اندازد. باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضائی و توسل به مؤسسات یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر وسائل مسالمت‌آمیز بنا به انتخاب خود راه‌حل آنرا جستجو نمایند.

آنچه که امروزه بیشتر مورد توجه دولتها جهت حل و فصل اختلافات فی‌مابین می‌باشد، توسل به داوری و رسیدگی قضائی (دیوان بین‌المللی دادگستری) است که این دو روش علیرغم تشابه بسیار با یکدیگر دارای وجوه افتراق و روشهای مخصوص به خود می‌باشند. در اینجا هدف و اساس کار ما بررسی و مقایسه دو روش فوق برای پی‌بردن به وجوه اشتراک و افتراق آنها می‌باشد تا بدین صورت مزیت و معایب هر یک از این دو طریق که اصحاب دعوی برای جلوگیری از بروز جنگ و هرج و مرج در حقوق بین‌الملل به آن متوسل می‌گردند، مشخص گردد.

## ۱-۲ اختلافات بین‌المللی :

در حقوق بین‌الملل تعریف جامع و مانعی در خصوص واژه اختلافات بین‌المللی وجود ندارد. آنچه که بیشتر مورد توجه اکثریت علمای حقوق بین‌الملل در تعریف این اصطلاح قرار گرفته، تعریفی است که در سال ۱۹۲۴ دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در دعوای ماوروماتیس<sup>۱</sup> از این واژه ارائه نموده است و آن تعریف این است که اختلاف یا مناقشه بین‌المللی عبارت است از هم‌سو نبودن رأی دو عنصر بین‌المللی در موضوع حقی و یا دو وقوع امری و تضاد نظر حقوقی و تعارض منافع آن دو.

طبق این تعریف برای وجود یک اختلاف بین‌المللی باید ثابت شود که ادعای یکطرف کاملاً مورد مخالفت طرف دیگر است. بنابراین صرف اصرار یک طرف مبنی بر اینکه با طرف دیگر اختلاف دارد، کافی نیست که مدلل سازد واقعاً اختلافی میان آنها موجود

---

<sup>۱</sup> - Mavrommatis

است و همینطور صرف انکار وجود اختلاف کافی نیست که ثابت کند واقعاً اختلافی میان طرفین موجود نیست.

تعریف دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی برای شناخت موارد معمولی اختلاف بین دولتها می‌تواند بسیار مفید باشد لیکن برای تشخیص وجه تمایز اختلافات بین‌المللی از اختلافات داخلی نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

تشخیص داخلی و یا بین‌المللی بودن یک اختلاف از این لحاظ دارای اهمیت است که تعهدات ناشی از بند ۳ ماده ۲ منشور ملل (تصفیه اختلافات از راه مسالمت‌آمیز) تنها زمانی بر عهده یک کشور عضو سازمان ملل متحد قرار می‌گیرد که موضوع مورد اختلاف جنبه بین‌المللی داشته باشد. اختلافاتی که موضوع آن در حوزه صلاحیت ملی دولتها قرار دارد، دولت مربوطه تعهدی برای حل مسالمت‌آمیز اختلاف ندارد. چنانچه دولت دیگری بخواهد اختلاف را به مثابه موردی از اختلاف بین دو دولت دستاویز خود قرار دهد، دولت مربوطه می‌تواند به اصل ممنوعیت مداخله در امور داخلی ناشی از بند ۷ ماده ۲ منشور استناد نماید.

ممکن است کشوری بکوشد مسائل داخلی کشور دیگری را از موارد اختلافات بین‌المللی بنمایاند و از این راه بر وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و یا حقوقی کشور اخیر تأثیر بگذارد. بنابراین باید معیاری برای تعیین مرز بین این دو اختلاف وجود داشته باشد و از آنجایی که یافتن فرمول واحدی که بتواند مشخص‌کننده دقیق حوزه صلاحیت قضائی داخلی از بین‌المللی باشد با توجه به تغییرات پی‌درپی اوضاع جامعه بین‌المللی دشوار است باید موضوع صلاحیت قضائی داخلی مورد به مورد با توجه به وضعیت نظام حقوقی بین‌المللی و شرایط خاص و ویژه موضوع مورد مطالعه و تصمیم‌گیری قرار گیرد.

## ۱-۲-۱ انواع اختلافات بین‌المللی :

علمای حقوق و رویه قضائی بین‌المللی اختلافات و مناقشات بین‌المللی را به دو دسته اختلافات حقوقی و اختلافات سیاسی تقسیم می‌کنند. اختلاف حقوقی عبارت از اختلافی است که در آن یا دو یا چند موضوع حقوق بین‌الملل راجع به تطبیق و اجراء و یا تفسیر و تبیین حق موجود با هم موافق نیستند و اختلاف نظر دارند بعبارت دیگر اختلاف یا مناقشه حقوقی عبارت است از اختلافی که در مورد وجود یک حق و یا حدود تأثیر و احترام و رعایت آن بین دو دولت بروز می‌کند و این نوع اختلاف بوسیله قواعد حقوقی حل و فصل می‌شوند.<sup>۱</sup>

بند ۲ ماده ۱۳ میثاق ملل و همچنین بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری فهرستی در بیان اختلافات حقوقی ارائه کرده و این نوع اختلافات را از طریق داوری و یا رسیدگی قضائی قابل حل دانسته است که عبارتند از :

- تفسیر معاهدات .

- هر موضوعی که مربوط به حقوق بین‌المللی باشد.

- واقعیت هر عملی که در صورت ثبوت نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب می‌گردد.

- نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی معین شود.

ولی در صورتیکه اختلاف بوجود آمده ناشی از تعارض منافع کشور و یا تغییر و اصلاح حقوق موجود باشد. اختلاف سیاسی می‌گویند به عبارت دیگر در صورت بروز اختلاف بین دو دولت اگر ادعای آنها مبتنی بر قواعد حقوقی باشد جنبه حقوقی دارد و اگر دعوی طرفین یا لاقل یکی از آنها منطبق بر موازین حقوقی و قواعد بین‌المللی نباشد، اختلاف غیرحقوقی و یا سیاسی است و این نوع اختلاف را نمی‌توان بر اساس قواعد حقوقی حل و فصل نمود.

<sup>۱</sup> - ضیائی بیگدلی ، محمدرضا (۱۳۶۳) ، حقوق بین‌الملل عمومی ، فرزانه ، ص ۲۷۷

در اغلب موارد اختلافاتی بصورت مختلط پیش می‌آید یعنی هم‌جنبه سیاسی دارد و هم جنبه حقوقی در این قبیل موارد برای حل اختلاف باید با توجه به مصالح سیاسی و قواعد حقوقی اقدام نمود.

### ۱-۲-۲ طرفین اختلافات بین‌المللی :

طرفین اختلاف یا مناقشه بین‌المللی باید دو عنصر یا دو شخص یا دو تابع حقوق بین‌الملل باشند یعنی اشخاصی که در سیستم حقوق بین‌المللی می‌توانند طرف حق و تکلیف قرار گیرند.

لذا اختلافات فی‌مابین دو دولت و یا یک دولت با سازمان بین‌المللی و یا دو سازمان بین‌المللی اختلافات بین‌المللی محسوب می‌گردد. لیکن اگر اختلاف بین یک دولت و فرد و یا شرکت خارجی (غیردولتی) باشد به عقیده اکثر علمای حقوق بین‌المللی و رویه قضائی بین‌المللی چنین اختلافاتی جزء اختلاف حقوق بین‌الملل عمومی محسوب نمی‌شود. اما اگر دولت متبوع چنین فرد یا شرکتی با استفاده از اصل حمایت دیپلماتیک بخواهد از وی حمایت کند. در این صورت اختلاف جنبه بین‌المللی پیدا خواهد کرد.<sup>۱</sup>

### ۱-۳-۳ طرق تصفیه اختلافات بین‌المللی :

در مورد طرق تصفیه اختلافات بین حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی تفاوت بسیار است زیرا در حقوق داخلی افراد مکلفند برای رفع اختلافات خود به مراجع قانونی و قضائی مراجعه کنند و با طرح و تعقیب دعاوی در محاکم صالحه به دادخواهی پردازند. در حقوق داخلی افراد نه تنها مجبورند دعاوی خود را به مراجع قضائی ارجاع کنند بلکه این اجبار و الزام قانونی نیز برای آنها موجود است که احکام صادره از محاکم صالحه را محترم بشمارند و با کمال حسن نیت اجرا کنند واضح است که اگر فردی از

<sup>۱</sup> - میرعباسی، سیدباقر (۱۳۷۶)، حقوق بین‌الملل عمومی، نشر دادگستر، ج ۲، ص ۲۲